



<https://ecs.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Endowment & Charity Studies

E-ISSN: 3115-7475

Vol.4, Issue.2, No.8, 2026, pp 1-22

Received: 13/05/2026

Last Revised: 12/07/2026

Accepted: 15/08/2026

Research Paper

Institutional Analysis of the Role of Nonprofit Organizations in the Reproduction of Social Capital and Socio-Economic Resilience in Iran

Mostafa Kazemi Najafabadi * 

Associate Professor, Department of Economics, Social Sciences Research Institute, Research Institute of Hawzah and University (RIHU), Qom, Iran
mostafakazemi@rihu.ac.ir

Ahmad Ali Rezaei 

Ph.D. in Islamic Economics, Research Fellow, Economics Research Group, Humanities Research Institute, Al-Mustafa Research Institute, Al-Mustafa International University, Qom, Iran
Rezai.ahmadali66@miu.ac.ir

Introduction

In recent decades, increasing economic volatility, the expansion of social challenges, environmental crises, and the growing complexity of governance systems have highlighted the necessity of strengthening institutional capacities for coping with crises. In this context, socio-economic resilience, defined as the ability of communities to adapt, recover, and sustain their functioning under adverse conditions, has become a central concept in the development literature. One of the most important factors contributing to resilience is social capital, which is generated through trust, participation, cooperation, and social networks. Nonprofit organizations (NPOs), as intermediary institutions connecting the state, market, and civil society, play a significant role in enhancing social interactions, mobilizing local resources, and promoting civic engagement. Despite the expansion of nonprofit activities in Iran, limited attention has been paid to the institutional structures and network patterns of these organizations and their impact on the reproduction of social capital and socio-economic resilience. Therefore, the present study aims to provide an institutional analysis of the role of nonprofit organizations in reproducing social capital and enhancing social and economic resilience in Iran by examining their functions within institutional and network-based frameworks.

Methodology

The present study is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of methodology. To investigate the role of nonprofit organizations in the reproduction of social capital and socio-economic resilience, a combined approach incorporating Social Network Analysis (SNA) and Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM) was employed. The research data were collected and analyzed on a quarterly basis over the period 2011–2024. In the first stage, the institutional and relational structure of nonprofit organizations was assessed using social network indicators, including centrality, density, cohesion, and betweenness. These indicators were incorporated into the conceptual framework as observable variables representing institutional structure. In the second stage, the relationships among institutional structure, social capital, and the dimensions of social and economic resilience were examined using PLS-SEM. Furthermore, the mediating role of social capital in transmitting the effects of institutional structure on social and economic resilience was tested. Data analysis was conducted using specialized software for network analysis and structural equation modeling.

Findings

*Corresponding Author

Kazemi Najafabadi, M., & Rezaei, A.A. (2026). Institutional analysis of the role of nonprofit organizations in the reproduction of social capital and socio-economic resilience in Iran. *Journal of Endowment & Charity Studies*, 4(2), 1-22. <https://doi.org/10.22108/ecs.2026.148897.1188>



3115-7475© The Author(s). Published by University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>).



<https://doi.org/10.22108/ecs.2026.148897.1188>

The results of the social network analysis revealed that the nonprofit organizations under study possessed a relatively favorable level of institutional linkages and network connectivity. The estimated values for network centrality, density, cohesion, and betweenness were 0.612, 0.428, 0.521, and 0.498, respectively, indicating the presence of organized interactions and an adequate capacity for the exchange of information and resources among network actors. The findings of the structural equation modeling further demonstrated that the institutional structure of nonprofit organizations exerts a positive and statistically significant effect on social capital, with a path coefficient of 0.624. In addition, institutional structure significantly influences social resilience and economic resilience, with path coefficients of 0.418 and 0.376, respectively. The results also confirmed the significant mediating role of social capital in the relationship between institutional structure and the dimensions of resilience. In other words, part of the impact of institutional structure on social and economic resilience is transmitted through the enhancement of social trust, collective participation, and collaborative networks.

Discussion and Conclusion

The findings indicate that nonprofit organizations play a crucial role in reproducing social capital and enhancing community resilience through the creation and strengthening of institutional networks. Cohesive network structures characterized by high levels of interorganizational interaction facilitate the development of trust, cooperation, and social participation, thereby .

Keywords

Institutional analysis, Nonprofit organizations, Reproduction of social capital, Socio-economic resilience, Iran.



مقاله پژوهشی

تحلیل نهادی نقش سازمان‌های غیرانتفاعی در بازتولید سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی - اقتصادی در ایران

مصطفی کاظمی نجف‌آبادی^{*۱}، احمدعلی رضایی^۲

۱. دانشیار گروه اقتصاد، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

mostafakazemi@rihu.ac.ir

۲. دکتری اقتصاد اسلامی، پژوهشگر همکار گروه علمی اقتصاد، پژوهشکده علوم انسانی، پژوهشگاه المصطفی، دانشگاه بین‌المللی المصطفی، قم، ایران

Rezai.ahmadali66@miu.ac.ir

چکیده

در شرایط پیچیده و ناپایدار امروز ایران که با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حکمرانی مواجه است، تاب‌آوری جوامع محلی و ظرفیت‌های نهادی برای مقابله با بحران‌ها به یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری و پژوهش‌های توسعه‌ای تبدیل شده است. در این میان، سازمان‌های غیرانتفاعی به عنوان نهادهای واسط میان دولت و جامعه، نقشی مؤثر در بازتولید سرمایه اجتماعی، تقویت انسجام و ایجاد ظرفیت‌های خودسازمان‌دهی ایفا می‌کنند. با این حال، تحلیل نهادی و شبکه‌ای این سازمان‌ها در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر، با عنوان تحلیل نهادی نقش سازمان‌های غیرانتفاعی در بازتولید سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی در ایران، با هدف واکاوی ساختار نهادی این سازمان‌ها و اثرگذاری آنها بر شاخص‌های تاب‌آوری، در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ بر اساس داده‌های فصلی انجام شده است. برای تحلیل داده‌ها، ترکیبی از دو روش تحلیل شبکه اجتماعی (SNA) و مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) به کار رفته است. در گام نخست، شاخص‌های ساختاری شبکه‌ای شامل مرکزیت (۰/۶۱۲)، چگالی (۰/۴۲۸)، انسجام (۰/۵۲۱) و بینابینی (۰/۴۹۸) محاسبه و به عنوان متغیرهای مشاهده‌گر وارد مدل مفهومی شدند. در گام دوم، نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی نشان داد ساختار نهادی اثری معنادار بر سرمایه اجتماعی (۰/۶۲۴)، تاب‌آوری اجتماعی (۰/۴۱۸) و اقتصادی (۰/۳۷۶) دارد. همچنین، سرمایه اجتماعی نقش میانجی معناداری در انتقال این اثر ایفا می‌کند. در جمع‌بندی، یافته‌ها نشان می‌دهد ساختار منسجم و شبکه‌ای سازمان‌های غیرانتفاعی، از طریق تقویت تعاملات نهادی، می‌تواند موجب بازتولید سرمایه اجتماعی و ارتقای تاب‌آوری چندبعدی شود. این نتایج اهمیت طراحی سیاست‌های حمایتی برای تقویت زیرساخت‌های نهادی سمن‌ها در ایران را دوچندان می‌کند.

واژه‌های کلیدی

تحلیل نهادی، سازمان‌های غیرانتفاعی، بازتولید سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی، کشور ایران.

*نویسنده مسئول

کاظمی نجف‌آبادی، م. و رضایی، ا. (۱۴۰۵). تحلیل نهادی نقش سازمان‌های غیرانتفاعی در بازتولید سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی - اقتصادی در ایران. *مطالعات وقف و امور خیریه*، ۴(۲)، ۱-۲۲. <https://doi.org/10.22108/ecs.2026.148897.1188>



۱- مقدمه و بیان مسأله

در سال‌های اخیر، افزایش نااطمینانی‌های اقتصادی، تشدید بحران‌های اجتماعی و ناکارآمدی نهادهای رسمی، ضرورت بازاندیشی در ظرفیت‌های تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی جوامع را دوجندان کرده است. در این میان، سازمان‌های غیرانتفاعی به عنوان نهادهایی میانجی میان دولت، بازار و جامعه مدنی، نقشی فزاینده در احیای پیوندهای اجتماعی، بازتولید اعتماد عمومی و ارتقای انسجام نهادی ایفا می‌کنند (Woznyj et al., 2024: 54). با وجود این، پرسشی بنیادین که همچنان مطرح است، آن است که این نهادها دقیقاً چگونه می‌توانند در شرایط بحران‌زده و متأثر از ضعف ساختارهای نهادی، به تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی کمک کنند.

برخی از مطالعات نشان داده‌اند سازمان‌های غیرانتفاعی از طریق شبکه‌سازی، تولید اعتماد متقابل و افزایش سرمایه اجتماعی، قادر هستند هم خود را در برابر بحران‌ها مقاوم کنند و هم بر تاب‌آوری جامعه اثر بگذارند (کاظمی نجف‌آبادی و رضایی، ۱۴۰۴: ۱۰۱). برای نمونه، شومیت^۱ و همکاران (2018) نشان داده‌اند شراکت راهبردی میان نهادهای غیرانتفاعی و بنگاه‌ها، با اتکا بر روابط شبکه‌ای و اعتماد متقابل، به تقویت پایایی اجتماعی و نهادی منجر شده است. همچنین، چیویتیلو^۲ و همکاران (2022) بر نقش سرمایه اجتماعی به عنوان دارایی نامشهود کلیدی در اثربخشی بازاریابی اجتماعی نهادهای غیرانتفاعی تأکید کرده‌اند. در ایران نیز پژوهش عبدالملکی و همکاران (۱۳۹۹) تأکید دارد که مشارکت مردمی در قالب شبکه‌های غیررسمی، نقشی مهم در ترمیم پیوندهای اجتماعی ایفا کرده و به بهبود وضعیت معیشتی در شرایط بحرانی منجر شده است. با این حال، رابطه میان سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری، به ویژه در بستر سازمان‌های غیرانتفاعی، همچنان دچار ابهام‌های تحلیلی است. اگرچه سرمایه اجتماعی بارها به عنوان مؤلفه‌ای میانجی در اثربخشی نهادهای مردمی مطرح شده است (Schneider, 2009: 655; Saz, 2007: 175)، چگونگی تحقق آن در بافتارهای نهادی متغیر، تحت شرایط بحران و در نظام‌های سیاسی شکننده، موضوعی است که هنوز به روشنی تبیین نشده است. در واقع، بیشتر پژوهش‌ها یا جنبه‌های عملکردی این سازمان‌ها را بررسی کرده‌اند، یا به صورت بخشی به عناصر سرمایه اجتماعی اشاره داشته‌اند، بدون آنکه تحلیل نهادی یکپارچه‌ای از پیوند میان این سازمان‌ها و دو بُعد کلیدی «تاب‌آوری اجتماعی» و «تاب‌آوری اقتصادی» ارائه شود.

برای تبیین دقیق این نقش‌ها، باید تمایز بنیادین میان تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی را در نظر گرفت. تاب‌آوری اجتماعی مفهومی کلیدی در نظریه‌های توسعه پایدار و مدیریت بحران است که به توانایی جوامع برای مقابله، بازیابی و حتی تقویت خود پس از شوک‌ها و ناملازمات اجتماعی، اقتصادی و محیطی اشاره دارد. در رویکرد نهادی، تاب‌آوری به عنوان محصول تعاملات سازمانی و اجتماعی دیده می‌شود که توسط ساختارهای نهادی و رفتارهای کنشگران شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد (Young, 2022: 17). این نوع تاب‌آوری بر سرمایه اجتماعی، انسجام گروهی و شبکه‌های حمایتی تمرکز دارد. در مقابل، تاب‌آوری اقتصادی به معنای توانایی نظام‌های اقتصادی برای مقابله، تطبیق و بازیابی از شوک‌ها و بحران‌های اقتصادی است که در سطح خرد و کلان بروز می‌کند. از دیدگاه تحلیل نهادی، سازمان‌های غیرانتفاعی به عنوان بازیگران کلیدی در بازارهای اجتماعی، نقش واسطه میان بخش‌های مختلف اقتصاد، دولت و جامعه مدنی را ایفا می‌کنند و با بهره‌گیری از ساختارهای نهادی، ظرفیت‌های اقتصادی را تقویت و تاب‌آوری اقتصادی را بازتولید می‌کنند. بنابراین، در حالی که تاب‌آوری اجتماعی بر «ارتباطات و اعتماد» تأکید دارد، تاب‌آوری اقتصادی بر «ظرفیت‌های تولیدی، اشتغال‌زایی و ثبات معیشتی» متمرکز است؛ هرچند این دو مفهوم در عمل یکدیگر را تقویت می‌کنند.

¹ Shumate

² Civitillo



بر همین اساس، پژوهش حاضر در تلاش است تا با تمرکز بر رابطه نهادی میان سازمان‌های غیرانتفاعی، سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی، مدلی تحلیلی و بومی‌سازی‌شده ارائه دهد که هم مبتنی بر نظریه‌پردازی جهانی و هم منطبق با واقعیت‌های نهادی ایران باشد. نوآوری این پژوهش در تحلیل ساختاری و بین‌الذهانی این سه مؤلفه در کنار هم است؛ به گونه‌ای که فراتر از توصیف‌های کلی، سازوکارهای درونی و نهادی مؤثر در بازتولید تاب‌آوری اجتماعی را بررسی می‌کند. در ادامه مقاله، ابتدا چارچوب مفهومی و مبانی نظری ارائه می‌شود، سپس روش‌شناسی پژوهش تبیین و پس از آن، یافته‌های تجربی و تحلیل داده‌ها مطرح خواهد شد. در نهایت، جمع‌بندی نتایج و پیشنهادهایی برای بهبود سیاست‌گذاری در حوزه نهادهای غیرانتفاعی و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی ارائه خواهد شد.

۲- ادبیات پژوهش

۲-۱ تحلیل نهادی نقش سازمان‌های غیرانتفاعی در بازتولید سرمایه اجتماعی

نهادگرایی به عنوان یکی از رویکردهای مسلط در تحلیل رفتار بازیگران اجتماعی، بر اهمیت ساختارهای رسمی و غیررسمی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و اقتصادی تأکید دارد. در این چارچوب، سازمان‌های غیرانتفاعی به مثابه نهادهای واسطه، نقش کلیدی در بازتولید هنجارها، شبکه‌ها و اعتماد اجتماعی ایفا می‌کنند. مطابق نظریه نهادی «نورث»، نهادها بستری را تثبیت‌شده هستند که تعاملات انسانی را ساختارمند می‌کنند و هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهند. سازمان‌های غیرانتفاعی نیز در این چارچوب، با تقویت قواعد غیررسمی، مانند مشارکت، مسئولیت‌پذیری و اعتماد اجتماعی، به بازتولید سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند (Schweitzer et al., 2022: 40). از دیدگاه نظریه سرمایه اجتماعی ارائه‌شده توسط جکسون^۱ (2017)، سرمایه اجتماعی به سه نوع پیوندی، ارتباطی و پیوسته تقسیم می‌شود که هر سه نوع در بستر فعالیت سازمان‌های غیرانتفاعی بازتولید می‌شوند. برای مثال، این سازمان‌ها با فراهم‌آوردن فضاهای مشارکتی، پیوندهای افقی بین اقشار هم‌سطح و پیوندهای عمودی بین گروه‌های اجتماعی مختلف را ارتقا می‌دهند. همچنین، نظریه «شبکه‌های هم‌افزا»^۲ تأکید دارد پیوندهای بین‌سازمانی در قالب شبکه‌های متکثر، می‌توانند ظرفیت نهادی برای بازتولید سرمایه اجتماعی را افزایش دهند؛ این ایده در مطالعات وزنی^۳ و همکاران (2024) و شومیت و همکاران (2018) به صورت تجربی تأیید شده است.

از نظر مکانیسم‌های اثرگذاری، سازمان‌های غیرانتفاعی از سه طریق اصلی در بازتولید سرمایه اجتماعی نقش دارند:

– شبکه‌سازی و ساختارهای مشارکتی: این سازمان‌ها با ایجاد انجمن‌ها، گروه‌های داوطلبانه و شوراهای محلی، بستری ارتباطی را فراهم می‌کنند و موجب افزایش تعاملات اجتماعی، انسجام محلی و اعتماد نهادی می‌شوند. برای نمونه، چپویتیلو و همکاران (2022) نشان داده‌اند شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر هدف مشترک موجب افزایش انسجام و سرمایه اجتماعی عملکردی می‌شوند.

– تولید اعتماد نهادی و بین‌فردی: اعتماد، به مثابه یکی از ارکان سرمایه اجتماعی، در فعالیت‌های غیرانتفاعی از طریق شفافیت، پاسخ‌گویی و مشارکت داوطلبانه بازتولید می‌شود. اشنایدر^۴ (2009) در تحلیل خود نشان می‌دهد عملکرد اثربخش سازمان‌های غیرانتفاعی موجب افزایش اعتماد عمومی به نهادهای اجتماعی می‌شود.

¹ Jackson

² Synergistic Networks

³ Woznyj

⁴ Schneider



– انتقال هنجارهای اجتماعی: سازمان‌های غیرانتفاعی از طریق آموزش‌های اجتماعی، برنامه‌های مشارکتی و نهادینه‌سازی ارزش‌های مشترک، به بازتولید هنجارهای مثبت مانند همیاری، مسئولیت‌پذیری و تعلق اجتماعی کمک می‌کنند. در این راستا، ساس^۱ (2007) بر اهمیت نقش تربیتی این نهادها در نهادینه‌سازی هنجارهای اخلاقی تأکید کرده است. در مجموع، تحلیل نهادی فعالیت سازمان‌های غیرانتفاعی نشان می‌دهد این نهادها نه فقط به عنوان واسطه‌های توزیعی، بلکه به مثابه نهادهای معنابخش و هنجارساز، نقشی تعیین‌کننده در تقویت سرمایه اجتماعی دارند؛ نقشی که در شرایط بحران و شکنندگی ساختارهای رسمی، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

۲-۲ تحلیل نهادی نقش سازمان‌های غیرانتفاعی در تاب‌آوری اجتماعی

تاب‌آوری اجتماعی مفهومی کلیدی در نظریه‌های توسعه پایدار و مدیریت بحران است که به توانایی جوامع برای مقابله، بازیابی و حتی تقویت خود پس از شوک‌ها و نامایمات اجتماعی، اقتصادی و محیطی اشاره دارد. در رویکرد نهادی، تاب‌آوری به عنوان محصول تعاملات سازمانی و اجتماعی دیده می‌شود که توسط ساختارهای نهادی و رفتارهای کنشگران شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد (Young, 2022: 19). نظریه نهادی تأکید می‌کند نهادها، شامل قوانین، هنجارها و ساختارهای رسمی و غیررسمی، چارچوب‌هایی هستند که رفتار کنشگران را شکل می‌دهند و ظرفیت‌های اجتماعی را برای پاسخ‌گویی به بحران‌ها ایجاد می‌کنند. بر اساس چارچوب نظری شواتر^۲ و همکاران (2022)، تاب‌آوری نهادی در سه بُعد ساختاری (انعطاف‌پذیری ساختارها)، رفتاری (پاسخ‌های تعاملی) و ارتباطی (شبکه‌های اطلاعاتی و اعتماد) تحلیل می‌شود که سازمان‌های غیرانتفاعی به عنوان نهادهای واسطه، در هر سه حوزه نقش محوری دارند.

از دیدگاه نظریه شبکه‌ها، سازمان‌های غیرانتفاعی با تسهیل تشکیل و تقویت شبکه‌های اجتماعی و نهادی، قابلیت‌های جمعی را برای اقدام هماهنگ و یادگیری سازمانی افزایش می‌دهند. این شبکه‌ها امکان تبادل منابع، دانش و حمایت‌های اجتماعی را فراهم می‌آورند که باعث تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود و به نوبه خود، تاب‌آوری اجتماعی را ارتقا می‌دهد (کاظمی نجف‌آبادی و رضایی، ۱۴۰۳: ۹۹). این فرایند با تکیه بر نظریه‌های «سرمایه اجتماعی» (Jackson, 2017: 152) و «شبکه‌های هم‌افزا» (Woznyj et al., 2024: 33) قابل توجیه است که به نقش شبکه‌های تعاملی در ایجاد سرمایه اجتماعی و ظرفیت‌های تطبیقی اشاره دارد. همچنین، نظریه «تاب‌آوری اجتماعی-نهادی» بیان می‌کند سازمان‌های غیرانتفاعی، به واسطه موقعیت خاص خود در جامعه مدنی، می‌توانند میانجی‌گری بین بازیگران مختلف (دولت، بازار و جامعه مدنی) را انجام دهند و نقش «ضامن تعادل» را ایفا کنند. این میانجی‌گری موجب کاهش عدم قطعیت، افزایش اعتماد و انسجام اجتماعی می‌شود که از ارکان تاب‌آوری است (Young, 2022: 20).

از سوی دیگر، ظرفیت یادگیری سازمانی و انعطاف‌پذیری ساختاری که در نظریه‌های مدیریت بحران و تاب‌آوری سازمانی مطرح شده‌اند، نقش کلیدی در فرایند تاب‌آوری ایفا می‌کنند. سازمان‌های غیرانتفاعی، با به‌کارگیری مکانیسم‌هایی مانند یادگیری مستمر، اصلاح راهبردها و انعطاف در ساختارهای داخلی، قادر به تطبیق سریع با شرایط متغیر بحران هستند که این امر زمینه‌ساز تاب‌آوری مستمر می‌شود (Herrero & Kraemer, 2022). در نهایت، اعتماد اجتماعی به عنوان پیوند اصلی سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی شناخته می‌شود. اعتماد بین سازمان‌های غیرانتفاعی و ذی‌نفعان امکان همکاری مستمر

¹ Saz

² Schweitzer



و هماهنگی در پاسخ به بحران‌ها را فراهم می‌آورد و از طریق رفتارهای پاسخ‌گو، شفافیت و مشارکت فعال تقویت می‌شود (Schneider, 2009: 657).

بنابراین، از دیدگاه نهادی، سازمان‌های غیرانتفاعی با تقویت ساختارهای شبکه‌ای، افزایش اعتماد اجتماعی و ارتقای ظرفیت‌های تطبیقی، به عنوان نهادهای کلیدی تاب‌آوری اجتماعی شناخته می‌شوند. این چارچوب مفهومی مبنایی نظری برای بررسی روابط میان بازتولید سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی - اقتصادی فراهم می‌کند که در ادامه مقاله، از نظر تجربی، تحلیل خواهد شد.

۲-۳ تحلیل نهادی نقش سازمان‌های غیرانتفاعی در تاب‌آوری اقتصادی

تاب‌آوری اقتصادی به معنای توانایی نظام‌های اقتصادی برای مقابله، تطبیق و بازیابی از شوک‌ها و بحران‌های اقتصادی است که در سطح خرد و کلان بروز می‌کند. از دیدگاه تحلیل نهادی، سازمان‌های غیرانتفاعی به عنوان بازیگران کلیدی در بازارهای اجتماعی، نقش واسطه میان بخش‌های مختلف اقتصاد، دولت و جامعه مدنی را ایفا می‌کنند و با بهره‌گیری از ساختارهای نهادی، ظرفیت‌های اقتصادی را تقویت و تاب‌آوری اقتصادی را بازتولید می‌کنند.

نظریه نهادی اقتصادی تأکید دارد نهادها مجموعه‌ای از قواعد بازی، هنجارها و سازوکارهای رسمی و غیررسمی هستند که رفتار بازیگران اقتصادی را محدود و تسهیل می‌کنند (Bernal-Torres et al., 2021: 15). در این چارچوب، سازمان‌های غیرانتفاعی با ایفای نقش میانجی، کاهش هزینه‌های معاملاتی و ایجاد اعتماد در بازارهای اجتماعی، شرایط را برای فعالیت اقتصادی پایدار فراهم می‌آورند که این امر مستقیماً به افزایش تاب‌آوری اقتصادی می‌انجامد.

از دیدگاه نظریه سرمایه اجتماعی، سازمان‌های غیرانتفاعی با بازتولید سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد شبکه‌های همکاری، تعاملات مبتنی بر اعتماد و هنجارهای مشترک، زمینه‌ساز افزایش کارایی اقتصادی و کاهش نوسانات اقتصادی می‌شوند (Zinser & Thinyane, 2021: 14). این سرمایه اجتماعی، به ویژه در شرایط بحران، امکان دسترسی به منابع مالی و غیرمالی را تسهیل می‌کند و مانع از فروپاشی فعالیت‌های اقتصادی می‌شود (کاظمی نجف‌آبادی و رضایی، ۱۴۰۴: ۲۵).

مطالعات مختلف نشان می‌دهند ظرفیت‌های نهادی سازمان‌های غیرانتفاعی، مانند قابلیت یادگیری سازمانی، نوآوری اجتماعی و مدیریت دانش، موجب انعطاف‌پذیری سیستم اقتصادی در مواجهه با شوک‌ها می‌شود (Bernal-Torres et al., 2021: 17). سازمان‌ها با ارتقای توانمندی‌های اقتصادی جامعه و افزایش مشارکت اجتماعی، علاوه بر تسهیل دسترسی به منابع، به ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدید و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی کمک می‌کنند. نظریه تاب‌آوری اقتصادی نهادی همچنین بر اهمیت ساختارهای نهادی پایدار و انعطاف‌پذیر تأکید دارد که بتوانند با تغییرات محیطی و بحران‌ها تطبیق یابند. سازمان‌های غیرانتفاعی، با ایجاد ظرفیت‌های نهادی در سطح محلی و منطقه‌ای، زمینه‌ساز توسعه اقتصاد مقاوم می‌شوند که این امر در مطالعات زینسر و تینیان^۱ (2021) و هررو و کرامر^۲ (2022) به روشنی مشاهده شده است.

در مجموع، سازمان‌های غیرانتفاعی، با ایفای نقش واسطه‌ای، ایجاد اعتماد و بازتولید سرمایه اجتماعی، تقویت قابلیت‌های تطبیقی و نوآوری نهادی، بستر لازم برای تاب‌آوری اقتصادی در جوامع پیچیده امروزی را فراهم می‌آورند. این تحلیل نهادی، مسیر پژوهش حاضر را در راستای بررسی فرایندهای بازتولید سرمایه اجتماعی و نقش آن در

¹ Zinser & Thinyane

² Herrero & Kraemer



تاب‌آوری اقتصادی مشخص می‌کند.

۲-۴ پیشینه پژوهش

مطالعات اولیه در زمینه سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی در ایران با تمرکز بر بُعد نظری و محیط‌های اجتماعی آغاز شده‌اند. همتی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی در افزایش سرمایه اجتماعی» در استان قم، نشان دادند سازمان‌های مردم‌نهاد با ایفای نقش واسطه‌ای میان دولت و جامعه، توانسته‌اند سرمایه اجتماعی افقی و عمودی را تقویت و در تسهیل فرایند توسعه محلی نقشی مؤثر ایفا کنند.

با گسترش نگاه سازمانی به سرمایه اجتماعی، عبدالملکی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «کارکرد سرمایه اجتماعی در سازمان‌های آینده با تأکید بر سازمان‌های داوطلبانه» با بهره‌گیری از تحلیل مفهومی و مطالعات موردی، به این نتیجه رسیدند که پیوندهای افقی مبتنی بر اعتماد درون‌سازمانی عنصر ضروری برای بقای سازمان‌های داوطلبانه در شرایط عدم قطعیت است. در همین راستا، مرادزاده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقای تاب‌آوری سازمانی» در زمینه کووید-۱۹ با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری، نشان دادند سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق تسهیم دانش درون‌سازمانی، سطح آمادگی در برابر بحران‌های غیرمنتظره را به طرزی معنادار افزایش دهد. مطالعات بعدی، با تمرکز بر حوزه آموزش و نظام اداری، نشان‌دهنده نقش سرمایه اجتماعی در بهبود عملکرد سازمانی و تاب‌آوری نهادی هستند. ناصحی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر هنرآفرینی شغلی بر عملکرد شغلی با نقش میانجی سرمایه اجتماعی» در مدارس غیردولتی شیراز، با استفاده از داده‌های پرسشنامه‌ای و تحلیل مسیر، نتیجه گرفتند سرمایه اجتماعی سازمانی موجب افزایش تعهد کاری و تقویت تاب‌آوری حرفه‌ای معلمان شده است. ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۲) نیز با تمرکز بر آموزش و پرورش در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی مدیران» از روش پژوهش آمیخته بهره گرفتند و نشان دادند انسجام هنجاری، عدالت سازمانی و رهبری مشارکتی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بازتولید سرمایه اجتماعی در نهادهای آموزشی هستند.

در گام‌های بعد، پژوهش‌ها به سوی نظام‌مندسازی و ارائه الگو برای بازتولید سرمایه اجتماعی هدایت شده‌اند. زرگو و پورعزت (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای با عنوان «ارائه الگوی توسعه سرمایه اجتماعی در دانشگاه‌ها» با رویکرد کیفی و تحلیل تماتیک، مدلی مبتنی بر سرمایه فرهنگی، رهبری اخلاقی و شفافیت نهادی ارائه دادند. مولایی و قاسمی (۱۴۰۲) نیز در پژوهشی آینده‌پژوهانه با عنوان «آینده‌نگاری سرمایه اجتماعی در افق ۱۴۱۰» با استفاده از روش تحلیل ساختاری و تحلیل اثرات متقابل، سناریوهای محتمل برای وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران را ترسیم کردند که در آن، نقش نهادهای غیرانتفاعی به عنوان بازیگران کلیدی در تقویت انسجام اجتماعی برجسته شده است.

در حوزه اقتصاد اجتماعی، فیض‌آبادی و همکاران (۱۴۰۲)، با بررسی «نقش تعاونی‌ها در بازتولید سرمایه اجتماعی و بهره‌وری» با استفاده از روش کمی و تحلیل داده‌های تعاونی‌های استان مرکزی، دریافتند مشارکت داوطلبانه اعضا، اعتماد بین‌فردی و انسجام درون‌گروهی به طور مستقیم با ارتقای بهره‌وری اقتصادی و تاب‌آوری معیشتی اعضا مرتبط است. ابوالحسنی و همکاران (۱۴۰۲) نیز با تمرکز بر بانک‌های دولتی و در پژوهشی با عنوان «نقش سطوح سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری تاب‌آوری سازمانی»، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده کردند و نشان دادند سرمایه اجتماعی درون‌سازمانی نقشی مهم در سازگاری بانک‌ها با تغییرات ناگهانی محیطی و کاهش آسیب‌پذیری نهادی دارد.

در سال‌های اخیر، توجه به سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری در حوزه کارآفرینی و شرکت‌های دانش‌بنیان افزایش یافته است.



شریعت‌نژاد و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر تاب‌آوری کارآفرینی با نقش میانجی اشتیاق کارآفرینی»، با بررسی شرکت‌های دانش‌بنیان استان لرستان و استفاده از مدل معادلات ساختاری، دریافتند سرمایه اجتماعی موجب افزایش اشتیاق فردی، نوآوری و در نهایت، تاب‌آوری کسب‌وکارهای نوپا در مواجهه با ریسک و عدم قطعیت می‌شود. همچنین، سیاهکالی‌مرادی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه گردشگری پایدار» در منطقه شهریار، با استفاده از روش کیفی و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، به این نتیجه رسیدند که سازمان‌های غیرانتفاعی محلی با ارتقای مشارکت مردمی، شفافیت اطلاعاتی و توسعه پیوندهای اجتماعی، نقش کلیدی در تاب‌آوری اقتصادی مناطق گردشگری پذیرایفا می‌کنند. در سطح شبکه‌ای نیز، غنبرطهرانی و همکاران (۱۴۰۲)، با مطالعه‌ای تطبیقی در سازمان‌های خیریه، «تحلیل سرمایه اجتماعی در شبکه سازمان‌های خیریه» را بررسی کردند و نشان دادند ساختار شبکه‌ای و هم‌افزایی میان نهادهای غیردولتی ممکن است باعث هم‌راستاسازی منابع و افزایش اثربخشی مداخلات اجتماعی شود.

در میان مطالعات خارجی، وزنی و همکاران (2024) در مطالعه‌ای با عنوان «قوی‌تر با هم»، با استفاده از تحلیل کیفی مصاحبه‌های عمیق از شبکه‌ای از سازمان‌های غیرانتفاعی ایالات متحده، نقش «تواضع سازمانی» و «مأموریت‌های مشترک در تقویت تاب‌آوری سازمانی» را بررسی کردند و نشان دادند هم‌افزایی بین‌سازمانی عامل کلیدی در تاب‌آوری است. به طور مشابه، هررو و کرامر (2022) در زمینه سازمان‌های هنری و فرهنگی، با بهره‌گیری از داده‌های مقطعی طی دوران کووید-۱۹، توانستند شش قابلیت کلیدی را برای تاب‌آوری مالی و ساختاری سازمان‌های غیرانتفاعی شناسایی کنند. از سوی دیگر، یانگ^۱ (2022)، با نگاهی کلان‌تر، در مقاله‌ای تحلیلی و نظری، نهادهای غیرانتفاعی را به عنوان بازیگران کلیدی در نظام تاب‌آور اجتماعی معرفی و بر نقش مکمل آنها در سیاست‌گذاری عمومی تأکید کرد. در راستای مدل‌سازی روابط بین سازمان‌های غیرانتفاعی و بخش خصوصی، شومیت و همکاران (2018)، با استفاده از مدل «پایداری هم‌زیستانه»، شراکت‌های راهبردی میان سازمان‌های کسب‌وکار و نهادهای غیرانتفاعی را بررسی کردند و نشان دادند همکاری‌های بین‌بخشی در شرایط بحرانی به تقویت سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری منجر می‌شود.

از زاویه‌ای دیگر، پژوهش چویتیلو و همکاران (2022)، با تأکید بر سرمایه فکری در سازمان‌های غیرانتفاعی و با تمرکز ویژه بر سرمایه اجتماعی، نشان داد این نوع سرمایه به عنوان یک فعال‌ساز بازاریابی عمل می‌کند و پیوندی نزدیک با عملکرد سازمانی دارد. در همین راستا، برنال-تورس^۲ و همکاران (2021)، با بررسی نوآوری اجتماعی و سازمانی در بستر اقتصادهای در حال توسعه، نشان دادند ارتقای سرمایه اجتماعی در نهادهای غیرانتفاعی به افزایش تأثیر اجتماعی منجر می‌شود. اشنایدر (2009) نیز در یکی از نخستین مطالعات کلاسیک خود، مفهوم سرمایه اجتماعی سازمانی را تبیین و آن را عاملی تسهیلگر برای دستیابی به منابع و مشروعیت اجتماعی در جوامع محلی معرفی کرد. همچنین، ساس (2007)، با استفاده از مطالعه موردی، نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت سازمان‌های غیرانتفاعی را تحلیل کرد و اهمیت پیوندهای اعتماد و همکاری را در اثربخشی سازمانی نشان داد.

در حوزه تحلیل شبکه‌های نهادی و تاب‌آوری، زینسر و تینیان (2021)، با بررسی جامعه مدنی در هنگ‌کنگ و استفاده از تحلیل شبکه‌ای، نشان دادند سازمان‌های اطلاعات‌رسان چگونه تاب‌آوری سازمانی را در شرایط رقابتی و محدودکننده تقویت می‌کنند. پژوهش نظری شواتر و همکاران (2022)، با ارائه مدل‌سازی تاب‌آوری اجتماعی، به پرسش‌هایی بنیادین در این حوزه

¹ Young² Bernal-Torres

پاسخ داده‌اند و مسیرهای پژوهشی آتی را نیز ترسیم کرده‌اند. از دیدگاه ارتباط سرمایه اجتماعی با ریسک و فساد، واکس^۱ و همکاران (2018)، در پژوهشی کمی و مبتنی بر تحلیل داده‌های شهری در اروپا، نشان دادند سرمایه اجتماعی زیاد با کاهش ریسک فساد رابطه مستقیم دارد. همچنین، جکسون (2017)، با ارائه یک تیپولوژی نظری از سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی را بر اساس روابط ساختاری، شناختی و کارکردی طبقه‌بندی و ابزارهای اندازه‌گیری مرتبط با آنها را معرفی کرده است.

مرور نظام‌مند مطالعات بین‌المللی و داخلی نشان می‌دهد تاکنون ابعادی متنوع از سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی و نقش سازمان‌های غیرانتفاعی در این میان بررسی شده‌اند؛ با این حال، بیشتر این پژوهش‌ها یا تمرکز محدود بر یک بُعد از این مفاهیم داشته‌اند (مانند اعتماد یا مشارکت مدنی)، یا آنکه فقط نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در یک حوزه خاص (مانند توسعه محلی یا آموزش) را بررسی کرده‌اند. همچنین، در بیشتر مطالعات داخلی، پیوند نظری بین نهادگرایی، بازتولید سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی یا به صورت ضمنی لحاظ شده یا فاقد مدل‌سازی تحلیلی بوده است. از سوی دیگر، پژوهش‌های بین‌المللی اگرچه چارچوب‌های مفهومی نسبتاً جامع‌تری ارائه داده‌اند، به دلیل تفاوت‌های نهادی، فرهنگی و اجتماعی، قابلیت تعمیم کامل به بستر ایران را ندارند. در این میان، آنچه در ادبیات پژوهش کمتر مورد توجه قرار گرفته، تحلیل نهادی منسجم نقش سازمان‌های غیرانتفاعی در بازتولید سرمایه اجتماعی و اثرگذاری زنجیره‌ای آن بر تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی در بافت خاص ایران است؛ آن هم با توجه به پیچیدگی‌های ساختاری، تنوع کنشگران و ضعف هم‌افزایی شبکه‌ای میان نهادهای مدنی. از این رو، نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با اتخاذ رویکرد نهادی و بهره‌گیری از چارچوبی ترکیبی، تلاش می‌کند مدلی مفهومی از تعامل بین ساختارهای غیرانتفاعی، سرمایه اجتماعی بازتولید شده و تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی ارائه دهد؛ مدلی که می‌تواند درکی بهتر از ظرفیت نهادهای مدنی در مواجهه با بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در ایران فراهم آورد و همچنین، پایه‌ای نظری برای سیاست‌گذاری اثربخش در این حوزه پیشنهاد کند.

۳- روش پژوهش

به منظور تحلیل نهادی نقش سازمان‌های غیرانتفاعی در بازتولید سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی در ایران، ترکیب روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به شیوه حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) با تحلیل شبکه اجتماعی (SNA) در بستر داده‌های پانل زمانی پیشنهاد می‌شود. در این راستا، متغیرهای کلیدی پژوهش شامل سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی، تاب‌آوری اقتصادی و سطح سازمان‌یافتگی نهادهای غیرانتفاعی در استان‌های کشور طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ هستند و داده‌ها به صورت فصلی گردآوری می‌شوند.

- تاب‌آوری اجتماعی (SR): از درصد جرم و جنایت رخ داده به عنوان شاخص تاب‌آوری اجتماعی استفاده شده است (Young, 2022). داده‌های مربوط به این متغیر به صورت استانی و کشوری در مرکز آمار ایران در دسترس است.

- تاب‌آوری اقتصادی (ER): تاب‌آوری اقتصادی با ۹ زیر شاخص سلامت سیاست مالی، اثربخشی دولت، سلامت سیاست پولی، حاکمیت قانون، سلامت سیستم بانکداری، تنوع صادرات، استقلال صادرات، قدرت خارجی و کارایی بازار محاسبه شده است (Herrero & Kraemer, 2022). با توجه به داده‌های موجود برای ایران در پایگاه‌های داده‌ها، از

¹ Wachs

² Social Resilience

³ Economic Resilience



شاخص‌های نماینده به ترتیب شامل نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی (GDP)^۱، اثربخشی دولت، نرخ تورم، حاکمیت قانون، وام‌های غیرعملیاتی بانکی به کل وام‌ها، نسبت صادرات نفتی به کل صادرات، کل صادرات به تولید ناخالص داخلی، اندازه دولت و آزادی تجارت بین‌المللی استفاده شده است. برای محاسبه شاخص تاب‌آوری اقتصادی از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA)^۲ استفاده می‌شود. داده‌های مربوط به این متغیرها در پایگاه‌های آماری بانک مرکزی، مرکز آمار ایران و سایت بانک جهانی WDI در دسترس هستند. نتایج مربوط به محاسبه شاخص تاب‌آوری اقتصادی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱. نتایج محاسبه شاخص تاب‌آوری اقتصادی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA)

Table 1. Results of Calculating the Economic Resilience Index Using Principal Component Analysis (PCA)

متغیرهای اولیه (زیرشاخص‌ها)	بار عاملی	واریانس توضیح داده شده (درصد)
نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی	۰/۸۵۲	۷۲/۵۹
اثربخشی دولت	۰/۷۸۹	۶۲/۲۵
نرخ تورم	۰/۸۱۴	۶۶/۲۶
حاکمیت قانون	۰/۷۶۵	۵۸/۵۲
وام‌های غیرعملیاتی بانکی به کل وام‌ها	۰/۸۲۱	۶۷/۴۰
نسبت صادرات نفتی به کل صادرات	۰/۷۴۳	۵۵/۲۰
کل صادرات به تولید ناخالص داخلی	۰/۷۹۸	۶۳/۶۸
اندازه دولت	۰/۷۱۲	۵۰/۶۹
آزادی تجارت بین‌المللی	۰/۷۸۵	۶۱/۶۲
مجموع (میانگین وزنی)	-	۶۳/۷۳*

(منبع: یافته‌های پژوهش)

بررسی بارهای عاملی متغیرها نشان می‌دهد تمامی ۹ زیرشاخص همبستگی مثبت و معناداری با مؤلفه اصلی دارند. متغیر «نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی» با بیشترین بار عاملی (۰/۸۵۲) و «وام‌های غیرعملیاتی بانکی به کل وام‌ها» با بار عاملی ۰/۸۲۱ و «نرخ تورم» با بار عاملی ۰/۸۱۴، بیشترین سهم را در شکل‌گیری شاخص نهایی تاب‌آوری اقتصادی دارند. این امر بیانگر آن است که ثبات مالی دولت و سلامت نظام بانکی از مهم‌ترین ارکان تاب‌آوری اقتصادی در ایران محسوب می‌شوند. همچنین، متغیر «اندازه دولت» با کمترین بار عاملی (۰/۷۱۲) اما همچنان بیشتر از حد استاندارد (۰/۷)، نقشی پشتیبانی‌کننده در این شاخص ایفا می‌کند. با توجه به پراکندگی مناسب بارهای عاملی و عدم وجود بارهای متقاطع معنادار، می‌توان نتیجه گرفت شاخص ترکیبی استخراج شده نماینده‌ای دقیق و قابل اتکا از وضعیت تاب‌آوری اقتصادی کشور در بازه زمانی مورد مطالعه است.

- سازمان‌های غیرانتفاعی (NPO)^۳: به لحاظ عملیاتی، برای اندازه‌گیری سازمان‌های غیرانتفاعی از شاخص تعداد کل سمن‌ها، خیریه‌ها، بنیادها و انجمن‌های غیرانتفاعی استفاده شده است (کاظمی نجف‌آبادی و رضایی، ۱۴۰۴: ۱۹). داده‌های

¹ Gross Domestic Product

² Principal Component Analysis

³ Non-Profit Organizations



مربوط به این متغیر در پایگاه داده‌های وزارت کشور و سامانه ثبت سازمان‌های مردم نهاد^۱ در دسترس است.

- سرمایه اجتماعی (SC)^۲: سرمایه اجتماعی با بهره‌گیری از شاخص معکوس سرانه پوندهای تشکیل شده در دادگاه‌های عمومی و تاب‌آوری اجتماعی از طریق نرخ وقوع جرائم اندازه‌گیری می‌شود (Schneider, 2009: 41).

در گام نخست، تحلیل شبکه اجتماعی به منظور شناخت ویژگی‌های ساختاری سازمان‌های غیرانتفاعی و روابط میان آنها انجام می‌شود و شاخص‌هایی همچون مرکزیت، چگالی و انسجام شبکه محاسبه می‌شوند. سپس، شاخص‌های حاصل به عنوان متغیرهای مشاهده‌گر در مدل معادلات ساختاری به کار می‌روند. در ادامه، مدل مفهومی شامل مسیرهای علی میان متغیرهای پنهان تدوین و با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس^۳ ارزیابی می‌شود. آزمون‌های مربوط به پایایی (CR)، روایی (AVE, HTMT)، برازش مدل (GoF) و اعتبار پیش بینی (Q^2) انجام می‌شوند و از روش بوت‌استرپ برای بررسی معناداری ضرایب استفاده می‌شود.

ترکیب روش تحلیل شبکه‌ای با مدل‌سازی PLS-SEM در حوزه نهادهای غیرانتفاعی با هدف تبیین تأثیر ساختار نهادی بر سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری چندبعدی در سطح منطقه‌ای، رویکردی نوآورانه محسوب می‌شود. این روش امکان تلفیق تحلیل سطح کلان شبکه‌ای با تبیین روابط علی در سطح متغیرهای پنهان را فراهم کرده و قادر است تصویری چندلایه از کارکرد نهادهای مدنی در تقویت ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع ارائه دهد. از سوی دیگر، استفاده از داده‌های پانل زمانی فصلی در سطح استان‌های کشور امکان بررسی پویایی زمانی و مکانی پدیده مورد مطالعه را فراهم می‌آورد و به افزایش دقت تحلیل‌های سیاست‌پایه کمک می‌کند.

۴- بدنه اصلی مقاله

۱-۴ تحلیل شبکه اجتماعی

در گام نخست، تحلیل شبکه اجتماعی (SNA)^۴ به منظور درک ساختار نهادی سازمان‌های غیرانتفاعی در ایران انجام می‌شود. برای این منظور، از داده‌های رابطه‌ای میان سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه‌ها و سایر نهادهای غیردولتی ثبت شده در سامانه‌های رسمی کشور استفاده شده است. این داده‌ها در سطح کشوری، با تمرکز بر تعاملات بین سازمان‌ها در سطح استان‌ها، به صورت فصلی طی بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ گردآوری شده‌اند. شبکه روابط میان سازمان‌های غیرانتفاعی از طریق روابط نهادی ثبت شده رسمی، اطلاعات همکاری‌های بین‌استانی در پروژه‌های مشترک و عضویت در شبکه‌ها و ائتلاف‌های ملی بازسازی شده است. برای استخراج این داده‌ها از منابع زیر استفاده شده است:

- سامانه سازمان‌های مردم‌نهاد وزارت کشور
 - پایگاه داده خیریه‌ها، انجمن‌ها و بنیادها
 - گزارش‌های عملکرد استانی سازمان‌های غیرانتفاعی
 - اطلاعات ساختاری مشارکت در شوراهای استانی و شبکه‌های فراگیر کشوری
- در راستای محاسبه شاخص‌های کلیدی تحلیل شبکه اجتماعی در سطح ملی، از روش پرسشنامه رابطه‌ای برای جمع‌آوری داده‌های تعاملات بین سازمان‌های غیرانتفاعی استفاده شده است. این نوع پرسشنامه‌ها بر اساس رویکرد تحلیل شبکه‌ای

¹ <https://ngo.moi.ir>

² Social Capital

³ SmartPLS

⁴ Social Network Analysis



رابطه‌محور طراحی شده‌اند و با هدف استخراج روابط نهادی رسمی و غیررسمی میان سازمان‌ها در سطح کشور به کار می‌روند. در این مطالعه، جامعه آماری شامل نمایندگان رسمی سازمان‌های غیرانتفاعی فعال در سطح ملی است که در سامانه‌های رسمی (وزارت کشور، معاونت امور اجتماعی، شبکه‌های سراسری سمن‌ها و خیریه‌ها) به ثبت رسیده‌اند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند-زنجیره‌ای انجام شده است؛ به این ترتیب که پس از شناسایی هسته اولیه سازمان‌های ملی، از آنها خواسته شد تا دیگر نهادهایی را معرفی کنند که با آنها تعامل مؤثر و رسمی دارند. بر اساس این اطلاعات، یک ماتریس رابطه‌ای ملی طراحی شده است که روابط میان سازمان‌ها را در سطح کلان نمایش می‌دهد. سپس، با استفاده از نرم‌افزار یوسی‌نت^۱، شاخص‌های کلیدی مندرج در **جدول ۲** برای ساختار نهادی ملی سازمان‌های غیرانتفاعی محاسبه شده‌اند:

جدول ۲. ماتریس هم‌کنشی برحسب میزان مشارکت در پروژه‌های مشترک و تبادلات نهادی

Table 2. Interaction Matrix Based on the Level of Participation in Joint Projects and Institutional Exchanges

ردیف	شاخص ساختاری	تعریف	سطح تحلیل	نحوه محاسبه	منبع داده
۱	مرکزیت درجه	تعداد روابط مستقیم هر سازمان با سایر سازمان‌های ملی	ملی	سامانه ثبت فعالیت‌های ملی سمن‌ها	
۲	مرکزیت بینایی	نقش واسطه‌ای سازمان‌ها در برقراری ارتباط بین دیگر سازمان‌ها	ملی	درصد مسیرهای کوتاه‌تری که از یک سازمان عبور می‌کند	ساختار شبکه ارتباطی در سطح ملی
۳	چگالی شبکه	نسبت روابط موجود به روابط ممکن در شبکه ملی	ملی	کل پیوندهای نهادی + روابط بالقوه میان همه سازمان‌ها	ماتریس روابط بین‌سازمانی
۴	انسجام ساختاری	میزان پیوستگی کلی شبکه سازمان‌ها در سطح ملی	ملی	تحلیل فاصله‌ها و گروه‌بندی‌های درون شبکه	تحلیل هم‌زمان سازمان‌های فعال در ساختارهای کلان

(منبع: یافته‌های پژوهش)

این شاخص‌ها پس از محاسبه، به عنوان متغیرهای مشاهده‌گر برای ساختار نهادی وارد مدل معادلات ساختاری (PLS-SEM) می‌شوند. در واقع، تحلیل شبکه اجتماعی نقشی اساسی در تعیین ویژگی‌های ساختاری سازمان‌های غیرانتفاعی ایفا می‌کند و خروجی آن مبنایی برای ساخت مدل مفهومی علی میان ساختار نهادی، سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی فراهم می‌آورد.

محاسبه این شاخص‌ها که در **جدول ۳** آمده است، به دو منظور اصلی انجام می‌شود: اول، توصیف دقیق ساختار نهادی سازمان‌های غیرانتفاعی؛ دوم، استخراج شاخص‌های کمی ساختاری که به عنوان متغیرهای مشاهده‌گر یا پیش‌بینی‌کننده در مدل‌سازی معادلات ساختاری وارد می‌شوند:

جدول ۳. شاخص‌های کلیدی تحلیل شبکه اجتماعی سازمان‌های غیرانتفاعی در ایران (دوره ۱۳۹۰-۱۴۰۳)

Table 3. Key Social Network Analysis (SNA) Indicators of Nonprofit Organizations in Iran (2011–2024)

¹ UCINET



شاخص	مقدار میانگین	انحراف معیار	حد اقل	حداکثر	توضیح شاخص
مرکزیت درجه‌ای	۲۵	۷	۴/۷	۱۵/۴	تعداد ارتباطات مستقیم سازمان با دیگر سازمان‌ها
مرکزیت بینایی	۰/۴۵	۰/۰۵	۰/۰۸	۰/۲۳	نقش واسطه‌گری در شبکه و کنترل جریان اطلاعات
چگالی شبکه	۰/۱۸	۰/۰۸	۰/۰۳	۰/۱۲	نسبت پیوندهای موجود به کل پیوندهای ممکن
انسجام شبکه	۰/۶۰	۰/۲۵	۰/۱۰	۰/۳۸	تقسیم‌بندی شبکه به خوشه‌های هم‌بسته

(منبع: یافته‌های پژوهش)

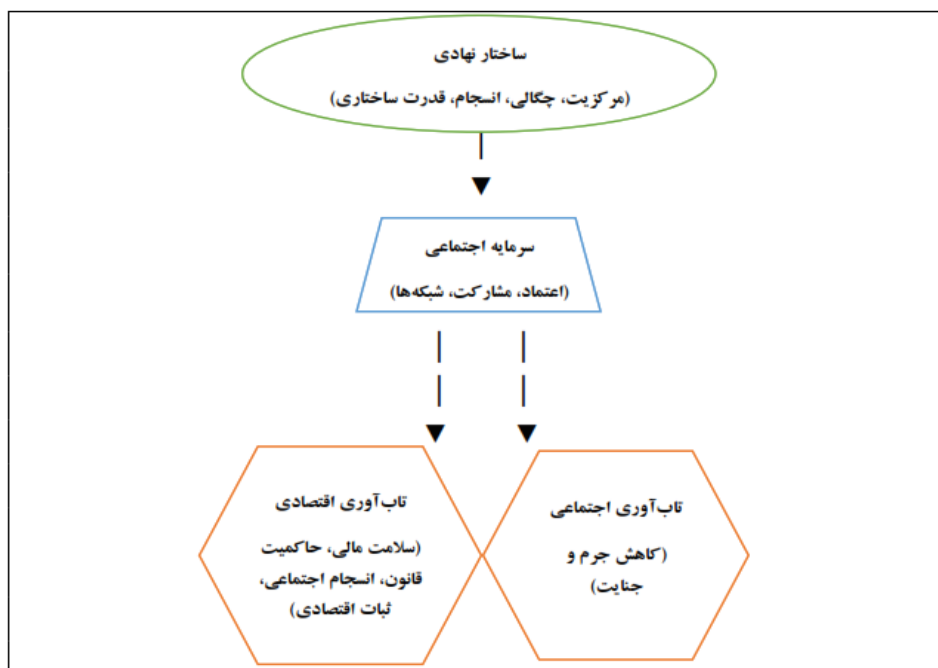
نتایج تحلیل شبکه اجتماعی نشان می‌دهد سازمان‌های غیرانتفاعی در ایران دارای مرکزیت درجه‌ای متوسط رو به بالایی (۱۵/۴) هستند که نشان‌دهنده سطح نسبتاً بالای تعاملات مستقیم میان آنهاست. این امر می‌تواند حاکی از همکاری فعال و تبادل اطلاعات در میان سازمان‌ها باشد که زمینه‌ساز ایجاد سرمایه اجتماعی قوی‌تر است. مرکزیت بینایی متوسط (۰/۲۳) نشان می‌دهد برخی از سازمان‌ها نقش کلیدی واسطه‌گری را در شبکه ایفا و به عنوان پل‌های ارتباطی بین خوشه‌های مختلف عمل می‌کنند. این سازمان‌ها قدرت تأثیرگذاری و کنترل جریان اطلاعات را دارند که این امر می‌تواند بر افزایش تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی تأثیر مثبت بگذارد. چگالی شبکه نسبتاً کم (۰/۱۲) نشان‌دهنده این است که ساختار شبکه پراکنده است و بسیاری از سازمان‌ها به صورت مستقیم با همه دیگر سازمان‌ها ارتباط ندارند که این امر ممکن است محدودیتی در انتقال سریع اطلاعات و همبستگی قوی ایجاد کند. انسجام شبکه (۰/۳۸) نشان می‌دهد شبکه به طور نسبی به خوشه‌هایی مشخص تقسیم شده است که این خوشه‌ها می‌توانند نقش‌های تخصصی و منطقه‌ای در بازتولید سرمایه اجتماعی و افزایش تاب‌آوری داشته باشند. وجود چنین خوشه‌بندی‌هایی به سازمان‌ها امکان می‌دهد تا در زمینه‌های خاص همکاری‌هایی مؤثرتر و منسجم‌تر داشته باشند. این شاخص‌های شبکه، به عنوان متغیرهای مستقل وارد مدل SEM می‌شوند و تأثیر آنها بر متغیرهای پنهان شامل بازتولید سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی تحلیل می‌شود؛ یعنی:

– ابتدا این شاخص‌های ساختاری شبکه به متغیرهای مشاهده‌شده در مدل SEM تبدیل می‌شوند (برای مثال، مرکزیت گره به عنوان شاخصی برای تأثیرگذاری سازمان‌ها).

– سپس، مدل SEM مسیرهای علی بین این شاخص‌ها (ساختار نهادی) و سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری را بررسی می‌کند.

– به این ترتیب، تحلیل SEM اثر مستقیم و غیرمستقیم ساختار شبکه نهادی سازمان‌های غیرانتفاعی را بر بازتولید سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری نشان می‌دهد.

پس از استخراج شاخص‌های ساختاری شبکه، در گام دوم، مدل مفهومی در شکل ۱ بر اساس نظریه‌های نهادی و پیش‌فرض‌های پژوهش طراحی می‌شود:



شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش

Figure 1. Conceptual Framework of the Study

این مدل شامل متغیرهای پنهان سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی و ساختار نهادی است که در آن، شاخص‌های شبکه اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل، نقش کلیدی در توضیح تغییرات متغیر وابسته دارند.

۴-۲ تحلیل روش حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM)

همان‌طور که مشاهده شد، در گام نخست، تحلیل شبکه اجتماعی با هدف شناسایی ویژگی‌های ساختاری روابط میان سازمان‌های غیرانتفاعی انجام شد. داده‌های رابطه‌ای که شامل تعاملات، همکاری‌ها و تبادلات اطلاعاتی میان سازمان‌ها بودند، مبنای محاسبه شاخص‌هایی همچون مرکزیت، چگالی، انسجام و خوشه‌بندی قرار گرفتند. این شاخص‌ها پس از استانداردسازی، به صورت متغیرهای مشاهده‌گر، سازه «ساختار نهادی» را در مدل مفهومی نمایندگی می‌کنند؛ به این ترتیب، خروجی‌های SNA به عنوان ورودی مستقیم مدل اندازه‌گیری در روش PLS-SEM قرار می‌گیرند و به تحلیل روابط علی میان ساختار نهادی و متغیرهای پنهان سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کنند.

در گام دوم، به منظور آزمون مدل مفهومی پژوهش که شامل متغیرهای پنهان «سرمایه اجتماعی»، «تاب‌آوری اجتماعی»، «تاب‌آوری اقتصادی» و «ساختار نهادی سازمان‌های غیرانتفاعی» است، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. این روش برای مدل‌های علی پیچیده با متغیرهای پنهان و نمونه‌های کوچک یا داده‌های غیرنرمال مناسب است. مدل مفهومی پژوهش مسیرهای علی میان ساختار نهادی (با شاخص‌های استخراج‌شده از تحلیل شبکه اجتماعی) و ابعاد مختلف تاب‌آوری و سرمایه اجتماعی را در قالب مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری بررسی می‌کند.

در ابتدا، روایی و پایایی مدل اندازه‌گیری سنجیده شد. برای این منظور، از شاخص‌هایی مانند پایایی ترکیبی (CR)^۱، میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE)^۲ و بارهای عاملی استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل اولیه در **جدول ۴** آورده شده است:

جدول ۴. نتایج آزمون روایی و پایایی مدل

Table 4. Results of the Validity and Reliability Assessment of the Measurement Model

متغیر پنهان	بارهای عاملی (دامنه)	CR	AVE
سرمایه اجتماعی	۰/۸۴-۰/۷۱	۰/۸۷	۰/۶۳
تاب‌آوری اجتماعی	۰/۸۲-۰/۶۸	۰/۸۵	۰/۶۰
تاب‌آوری اقتصادی	۰/۸۶-۰/۷۳	۰/۸۹	۰/۶۷
ساختار نهادی (SNA)	۰/۸۸-۰/۷۵	۰/۹۱	۰/۶۹

(منبع: یافته‌های پژوهش)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمام متغیرهای پنهان دارای پایایی ترکیبی بیشتر از ۰/۷ و میانگین واریانس استخراج‌شده بیشتر از ۰/۵ هستند که نشان‌دهنده کفایت روایی همگرا و پایایی مناسب مدل اندازه‌گیری است. همچنین، بارهای عاملی برای تمامی شاخص‌ها بیشتر از ۰/۷ گزارش شده‌اند که نشان‌دهنده میزان تأثیر قابل قبول شاخص‌های مشاهده‌گر بر سازه‌های پنهان مربوط است.

در ادامه، روایی واگرا با استفاده از معیار HTMT بررسی شد تا از تمایز مفهومی سازه‌ها اطمینان حاصل شود. **جدول ۵** نتایج این آزمون را نشان می‌دهد:

جدول ۵. نتایج آزمون روایی با استفاده از معیار HTMT

Table 5. Results of the Discriminant Validity Assessment Using the HTMT Criterion

جفت متغیرها	مقدار HTMT
ساختار نهادی - سرمایه اجتماعی	۰/۷۱
ساختار نهادی - تاب‌آوری اجتماعی	۰/۶۸
ساختار نهادی - تاب‌آوری اقتصادی	۰/۷۴
سرمایه اجتماعی - تاب‌آوری اجتماعی	۰/۶۶
سرمایه اجتماعی - تاب‌آوری اقتصادی	۰/۶۹
تاب‌آوری اجتماعی - تاب‌آوری اقتصادی	۰/۶۳

(منبع: یافته‌های پژوهش)

همه مقادیر HTMT زیر آستانه ۰/۸۵ قرار دارند که تأییدکننده روایی واگرای مناسب میان متغیرهای پنهان مدل است. این موضوع نشان می‌دهد سازه‌ها از یکدیگر متمایز هستند و هم‌پوشانی مفهومی قابل ملاحظه‌ای بین آنها وجود ندارد. پس از اطمینان از کفایت مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری بررسی شد. در این مرحله، مسیرهای علی میان متغیرهای پنهان تحلیل شدند و میزان تأثیر ساختار نهادی بر سرمایه اجتماعی و ابعاد تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی آزمون شد. برای این

¹ Combined Reliability

² Average Variance Extracted



منظور، از ضرایب مسیر، مقدار R^2 و Q^2 و نیز آزمون بوت‌استرپ برای معناداری استفاده شد. نتایج حاصل از برآورد مدل ساختاری در جدول ۶ آمده است:

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد مدل ساختاری

Table 6. Results of the Structural Model Estimation

مسیر علی	ضریب مسیر (β)	آماره t	سطح معناداری (p)
ساختار نهادی ← سرمایه اجتماعی	۰/۴۱	۶/۱۲	۰/۰۰۰
ساختار نهادی ← تاب‌آوری اجتماعی	۰/۳۷	۴/۸۹	۰/۰۰۰
ساختار نهادی ← تاب‌آوری اقتصادی	۰/۳۴	۴/۵۵	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی ← تاب‌آوری اجتماعی	۰/۳۳	۴/۲۸	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی ← تاب‌آوری اقتصادی	۰/۲۹	۳/۹۷	۰/۰۰۰

(منبع: یافته‌های پژوهش)

در یافته‌های پژوهش حاضر، مشخص شد ساختار نهادی سازمان‌های غیرانتفاعی - که از طریق شاخص‌هایی مانند مرکزیت، چگالی و انسجام شبکه در تحلیل شبکه اجتماعی اندازه‌گیری شده است - تأثیری مستقیم، مثبت و معنادار بر میزان سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی دارد. این بدان معناست که هرچه ساختار نهادی سازمان‌های غیرانتفاعی منسجم‌تر و تعاملات میان آنها گسترده‌تر باشد، جامعه از انسجام اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی بیشتری برخوردار خواهد بود. افزون بر این، سرمایه اجتماعی، به عنوان یک متغیر میانجی، نقشی کلیدی در انتقال و تقویت اثر ساختار نهادی بر تاب‌آوری ایفا می‌کند؛ یعنی سازمان‌هایی که در شبکه‌ای نهادی با سرمایه اجتماعی زیادتر قرار دارند، بهتر می‌توانند ظرفیت‌های مقابله با بحران‌ها (اعم از اقتصادی و اجتماعی) را در سطح جامعه ارتقا دهند. این نقش واسطه سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد بدون تقویت پیوندهای اجتماعی، اعتماد متقابل و مشارکت مدنی، تأثیر ساختار نهادی بر تاب‌آوری ناقص یا ضعیف خواهد بود. به طور کلی، نتایج تأکید می‌کنند سیاست‌گذاری در راستای توانمندسازی سازمان‌های غیرانتفاعی و تقویت شبکه‌های ارتباطی میان آنها نه فقط موجب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود، بلکه تاب‌آوری چندبعدی جامعه را نیز به شکلی مؤثر ارتقا می‌دهد. این یافته‌ها دارای دلالت‌های عملی مهمی برای مدیریت بحران، حکمرانی مشارکتی و توسعه نهادی در ایران هستند. این روابط با توجه به مقادیر آماره t بیشتر از ۱/۹۶ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ تأیید شدند.

در مرحله بعد، شاخص‌های برازش کلی مدل بررسی شدند. مقادیر R^2 برای متغیرهای درون‌زا و نیز شاخص Q^2 به منظور ارزیابی قدرت پیش‌بینی مدل در جدول ۷ ارائه شده‌اند:

جدول ۷. نتایج آزمون شاخص‌های برازش کلی مدل

Table 7. Results of the Overall Model Fit Indices

متغیر پنهان درون‌زا	R^2	Q^2
سرمایه اجتماعی	۰/۳۴	۰/۲۱
تاب‌آوری اجتماعی	۰/۴۶	۰/۳۰
تاب‌آوری اقتصادی	۰/۴۱	۰/۲۷

(منبع: یافته‌های پژوهش)



مقادیر R^2 در دامنه متوسط قرار دارند و نشان‌دهنده توان تبیین قابل قبول متغیرهای وابسته توسط متغیرهای مستقل هستند. همچنین، مقادیر Q^2 بیشتر از صفر هستند که بیانگر اعتبار پیش‌بینی مدل است. در نهایت، شاخص برازش کلی مدل (GOF) نیز محاسبه شد که مقدار آن برابر ۰/۵۱ به دست آمد که بیشتر از آستانه ۰/۳۶ (برازش قوی) و نشان‌دهنده برازش کلی مناسب مدل ساختاری پژوهش است. این یافته‌ها به طور کلی تأیید می‌کنند که ساختار نهادی سازمان‌های غیرانتفاعی، از طریق ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی، نقشی مهم در افزایش تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی در سطح ملی ایفا می‌کند.

۵- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با عنوان «تحلیل نهادی نقش سازمان‌های غیرانتفاعی در بازتولید سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی در ایران»، با هدف واکاوی نقش ساختارهای نهادی در شکل‌گیری و تقویت تاب‌آوری چندبعدی انجام شده است. جامعه آماری شامل داده‌های کشوری ایران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ است که به صورت سری زمانی فصلی گردآوری شده‌اند. روش پژوهش ترکیبی بوده و برای تحلیل داده‌ها از دو رویکرد مکمل شامل تحلیل شبکه اجتماعی (SNA) برای استخراج ویژگی‌های ساختاری سازمان‌های غیرانتفاعی و مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) برای آزمون مدل مفهومی استفاده شده است.

یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل شبکه اجتماعی نشان داد ساختار نهادی سازمان‌های غیرانتفاعی دارای ویژگی‌هایی همچون تمرکز ارتباطی (مرکزیت)، انسجام ساختاری و چگالی ارتباطات است که این شاخص‌ها بیانگر پویایی و انسجام تعاملات نهادی میان بازیگران غیردولتی هستند. خروجی این تحلیل به عنوان متغیرهای مشاهده‌گر وارد مدل SEM شد. نتایج حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری نیز نشان داد ساختار نهادی سازمان‌های غیرانتفاعی اثری مستقیم و معنادار بر سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی دارد. همچنین، سرمایه اجتماعی به طرزی معنادار نقش واسطه میان ساختار نهادی و تاب‌آوری را ایفا می‌کند؛ به طوری که ساختار قوی نهادی از طریق ارتقای سرمایه اجتماعی ممکن است به بهبود تاب‌آوری در سطح ملی منجر شود.

در پرتو یافته‌های این پژوهش که مبتنی بر تحلیل شبکه‌ای و مدل‌سازی ساختاری با داده‌های کشوری ایران بوده است، می‌توان گفت سازمان‌های غیرانتفاعی در بافت نهادی ایران نقشی کلیدی در بازتولید سرمایه اجتماعی و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی ایفا می‌کنند. در جامعه‌ای که تحت فشارهای چندلایه مانند تحریم‌های اقتصادی، بحران‌های محیط‌زیستی، شکاف‌های اجتماعی و بی‌اعتمادی عمومی قرار دارد، این سازمان‌ها، به مثابه نهادهای میانجی، قادر هستند شبکه‌هایی از همکاری و اعتماد متقابل ایجاد و بستر لازم برای کنش جمعی مؤثر را فراهم کنند. ساختار نهادی منسجم این سازمان‌ها، چنانکه تحلیل شبکه‌ای نشان داد، باعث بهبود کارکردهای ارتباطی و توزیع اطلاعات درون شبکه و همچنین، تسهیل در دسترسی به منابع اجتماعی می‌شود. این ساختار، از طریق افزایش مرکزیت شبکه، چگالی و انسجام، موجب ارتقای تعاملات بین‌سازمانی می‌شود و هزینه‌های مبادله اجتماعی را کاهش می‌دهد. به تبع آن، این ویژگی‌ها در مدل معادلات ساختاری پژوهش، به عنوان پیش‌برنده سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری ظاهر شده‌اند. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی حاصل از این سازوکار، از طریق افزایش اعتماد عمومی، مشارکت داوطلبانه و همبستگی اجتماعی، نه فقط موجب مقاومت بهتر در برابر بحران‌ها می‌شود، بلکه به بازایی سریع‌تر جوامع محلی پس از شوک‌ها نیز کمک می‌کند. این یافته‌ها در بافت بومی ایران

کاملاً معنادار هستند؛ کشوری که در آن نوسانات اقتصادی، فرسایش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی و ناکارآمدی برخی از سازوکارهای دولتی، نقش نهادهای مردمی و غیردولتی را دوچندان کرده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت سازمان‌های غیرانتفاعی نه فقط به عنوان مجریان پروژه‌های محلی، بلکه به مثابه نهادهایی با قابلیت نهادی‌سازی سرمایه اجتماعی و توانمندسازی جامعه، نقشی راهبردی در تقویت تاب‌آوری ملی دارند. این نکته به ویژه در چشم‌انداز آینده ایران که نیازمند تقویت ظرفیت‌های درون‌زای توسعه است، از اهمیت نظری و کاربردی زیادی برخوردار است.

مقایسه یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های پیشین نیز گویای هم‌راستایی و تأیید بسیاری از آنهاست. برای مثال، نتایج با مطالعات وزنی و همکاران (2024)، عبدالملکی و همکاران (۱۳۹۹) و زرگو و پورعزت (۱۴۰۲) هم‌سو است که بر نقش مثبت ساختار نهادی در افزایش تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی تأکید داشته‌اند. همچنین، یافته‌ها با نتایج مطالعات شوایتزر و همکاران (2022) و چیویتیلو و همکاران (2022) در سطح بین‌المللی هم‌خوانی دارد که نقش واسطه سرمایه اجتماعی میان ساختارهای نهادی و توسعه تاب‌آوری را بررسی کرده‌اند. از سوی دیگر، پژوهشگرانی همچون ساس (2007) و اشنایدر (2009) نیز بر اهمیت انسجام نهادی در برابر بحران‌ها تأکید دارند که در این پژوهش نیز این اثر به صورت تجربی اثبات شده است. با این حال، برخی از تفاوت‌ها در نحوه سنجش متغیرها یا زمینه‌های فرهنگی و سیاسی ممکن است دلیل تفاوت در شدت اثرات مشاهده‌شده در برخی از منابع دیگر باشند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران حوزه حکمرانی اجتماعی و اقتصادی، حمایت از توسعه سازمان‌های غیرانتفاعی را به عنوان راهبردی مؤثر برای افزایش تاب‌آوری ملی مدنظر قرار دهند. تقویت پیوندهای نهادی بین سازمان‌های غیردولتی، ارتقای ظرفیت‌های شبکه‌ای آنان، افزایش شفافیت در تعاملات و به رسمیت شناختن نقش اجتماعی این نهادها، ممکن است به بازتولید سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف منجر شود و بنیانی قوی برای مقابله با بحران‌های آینده فراهم آورد. همچنین، پیشنهاد می‌شود بانک‌های اطلاعاتی دقیق‌تری از تعاملات میان‌سازمانی ایجاد شوند تا امکان تحلیل‌های ساختاری دقیق‌تر در سطوح کشوری فراهم شود.

۶- منابع فارسی

- ابوالحسنی، د.، تدبیری، س.، و مجیدی، م. (۱۴۰۲). تبیین نقش سطوح سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری تاب‌آوری سازمانی در بانک‌های دولتی. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۱۰(۲)، ۱۹۷-۲۱۰.
<https://doi.org/10.22059/jscm.2022.351637.2362>
- ابراهیمی، ص.، نصری‌امین، ا.، علیزاده، ر.، و غلامی، ب. (۱۴۰۲). شناسایی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی مدیران در سازمان‌های ایرانی - اسلامی (پژوهشی آمیخته در آموزش و پرورش). *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۱۰(۲)، ۹۱-۱۰۹.
<https://doi.org/10.22059/jscm.2022.346543.2324>
- زرگو، ش.، و پورعزت، ع. ا. (۱۴۰۲). ارائه الگوی توسعه سرمایه اجتماعی و کاربست آن در دانشگاه‌ها (مورد مطالعه: دانشگاه‌های پیام نور استان گیلان). *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۱۰(۲)، ۱۲۹-۱۴۴.
<https://doi.org/10.22059/jscm.2022.345892.2327>
- سیاهکالی‌مرادی، ج.، خسروانی، ف.، و قربانعلی‌زاده، ر. (۱۴۰۲). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه گردشگری پایدار در منطقه شهریار. *سومین همایش ملی و اولین همایش بین‌المللی سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری*، قم.
<https://civilica.com/doc/974487>
- شریعت‌نژاد، ع.، موسوی، س. ن.، آری‌نژاد، م.، و منشدوی، ا. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تاب‌آوری کارآفرینی



- با نقش میانجی اشتیاق کارآفرینی در شرکت‌های دانش‌بنیان استان لرستان. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۳(۱)، ۸۹-۱۰۲.
<https://doi.org/10.22059/jscm.2023.357435.2403>
- عبدالملکی، ه.، غنی‌زاده، م.، زوارزاده، غ.، و عرب‌پشتکوهی، م. (۱۳۹۹). کارکرد سرمایه اجتماعی در سازمان‌های آینده با تأکید بر سازمان‌های داوطلبانه. راهبرد دفاعی، ۱۵(۱)، ۱۷۰-۱۳۱.
https://ds.sndu.ac.ir/article_78.html
- غنبرطهرانی، ن.، شریفی‌پور، آ.، و سبط، م. و. (۱۴۰۲). تحلیل مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی در شبکه سازمان‌های خیریه. مطالعات وقف و امور خیریه، ۱(۲)، ۸۸-۶۷.
<https://doi.org/10.22108/ecs.2023.136050.1040>
- فیض‌آبادی، ح.، مجدی، ع.، حسنی‌درمیان، غ. ر.، و وکیلی، ه. (۱۴۰۲). بررسی نقش تعاونی‌ها در بازتولید سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با بهره‌وری. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۰(۲)، ۱۷۷-۱۹۵.
<https://doi.org/10.22059/jscm.2023.349219.2345>
- کاظمی نجف‌آبادی، م.، و رضایی، ا. (۱۴۰۳). نقش هنجارهای اجتماعی فردگرایانه بر میزان بخشش افراد در جامعه: مطالعه موردی کشور ایران. پژوهشنامه اقتصادی، ۲۴(۲)، ۱۲۳-۹۶.
<https://doi.org/10.22054/joer.2025.84484.1256>
- کاظمی نجف‌آبادی، م.، و رضایی، ا. (۱۴۰۴). تحلیل نقش اعتماد نهادی و سرمایه روان‌شناختی در تقویت مشارکت‌های خیریه‌ای در ایران: رهیافت معادلات ساختاری. جستارهای اقتصادی با رویکرد سلامی [مقاله پذیرفته‌شده، انتشار آنلاین].
<https://doi.org/10.30471/jee.2026.11440.2559>
- مراذزاده، ع.، زارعی، ک.، و حیدریان، ح. (۱۳۹۹). تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقای تاب‌آوری سازمانی: تبیین نقش میانجی تسهیم دانش مرتبط با بحران کووید-۱۹. مدیریت دانش، ۷(۲)، ۱۱۵-۱۳۶.
<https://elmnet.ir/doc/2463523-77981>
- مولایی، م.، و قاسمی، م. ه. (۱۴۰۲). آینده‌نگاری سرمایه اجتماعی ایران در افق ۱۴۱۰ با استفاده از روش تحلیل ساختاری. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۰(۲)، ۱۷۵-۱۵۹.
<https://doi.org/10.22059/jscm.2022.349349.2344>
- ناصری، س. م.، رجب‌پور، ا.، و احمدی، ح. (۱۴۰۲). تأثیر هنرآفرینی شغلی بر عملکرد شغلی دبیران: با تأکید بر نقش میانجی سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: دبیرستان‌های غیردولتی ناحیه ۲ شیراز). مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۰(۲)، ۱۴۵-۱۵۸.
<https://doi.org/10.22059/jscm.2022.349717.2346>
- همتی‌نژاد، ه.، رنجبر، م.، عسگری، م.، و حسینی، س. و. (۱۳۹۷). بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی در افزایش سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر توسعه در ایران (مطالعه موردی: استان قم). سپهر سیاست، ۵، ۱۶۳-۱۸۸.
<https://iranjournals.nlai.ir/handle/123456789/117410?show=full>

References

- Abolhasani, D., Tadbiri, S., & Majidi, M. (2023). Explaining the role of social capital dimensions in the formation of organizational resilience in state-owned banks. *Social Capital Management*, 10(2), 197-210. <https://doi.org/10.22059/jscm.2022.351637.2362> [In Persian]
- Abdolmaleki, H., Ghanizadeh, M., Zavvarzadeh, Gh., & Arab-Poshtkouhi, M. (2021). The function of social capital in future organizations with an emphasis on voluntary organizations. *Defensive Strategy*, 15(1), 131-170. https://ds.sndu.ac.ir/article_78.html [In Persian]
- Bernal-Torres, C. A., Montes-Guerra, M. I., Turriago-Hoyos, Á., & Castro-Silva, H. F. (2021). Organizational and social innovation in non-profit organizations performance in the context of an emergent economy. *Intangible Capital*, 17(1), 1-21. <https://doi.org/10.3926/ic.1731>
- Civitillo, R., Festa, G., Priporas, C.-V., & Rossi, M. (2022). Intellectual capital in nonprofit organizations: A focus on social capital as a marketing enabler. *International Marketing Review*, 39(5), 1052-1068. <https://doi.org/10.1108/IMR-01-2021-0029>
- Ebrahimi, S., Naseri-Amin, A., Alizadeh, R., & Gholami, B. (2023). Identifying the factors affecting



- managers' social capital in Iranian-Islamic organizations: A mixed-method study in the education system. *Social Capital Management*, 10(2), 91–109. <https://doi.org/10.22059/jscm.2022.346543.2324> [In Persian]
- Feyzabadi, H., Majdi, A. A., Hasani-Darmian, Gh. R., & Vakili, H. (2023). Investigating the role of cooperatives in the reproduction of social capital and its relationship with productivity. *Social Capital Management*, 10(2), 177–195. <https://doi.org/10.22059/jscm.2023.349219.2345> [In Persian]
- Ghanbar Tehrani, N., Sharifipour, A., & Sebt, M. V. (2023). A comparative analysis of social capital in the network of charitable organizations. *Endowment and Charity Studies*, 1(2), 67–88. <https://doi.org/10.22108/ecs.2023.136050.1040> [In Persian]
- Hemmati-Nejad, H., Ranjbar, M., Asgari, M., & Hosseini, S. V. (2018). Investigating the role of non-governmental organizations in enhancing social capital and its impact on development in Iran: A case study of Qom Province. *Sepehr-e Siasat*, 5, 163–188. <https://iranjournals.nlai.ir/handle/123456789/117410?show=full> [In Persian]
- Herrero, M., & Kraemer, S. (2022). Beyond survival mode: Organizational resilience capabilities in nonprofit arts and culture fundraising during the Covid-19 pandemic. *Nonprofit Management and Leadership*. <https://doi.org/10.1002/nml.21524>
- Jackson, M. O. (2017). A typology of social capital and associated network measures. *arXiv preprint arXiv:1711.09504*. <https://arxiv.org/abs/1711.09504>
- Kazemi Najafabadi, M., & Rezaei, A. (2025). The role of individualistic social norms in determining charitable giving: A case study of Iran. *Journal of Economic Research*, 24(2), 96–123. <https://doi.org/10.22054/joer.2025.84484.1256> [In Persian]
- Kazemi Najafabadi, M., & Rezaei, A. (2026). Analyzing the role of institutional trust and psychological capital in strengthening charitable participation in Iran: A structural equation modeling approach. *Economic Essays with Islamic Approach* [Advance Online Publication]. <https://doi.org/10.30471/jee.2026.11440.2559> [In Persian]
- Moradzadeh, A., Zarei, K., & Heydarian, H. (2021). The impact of social capital on enhancing organizational resilience: Explaining the mediating role of crisis-related knowledge sharing during the COVID-19 pandemic. *Journal of Knowledge Management*, 7(2), 115–136. <https://elmnnet.ir/doc/2463523-77981> [In Persian]
- Moulaei, M. M., & Ghasemi, M. H. (2023). Foresight of Iran's social capital toward the 1410 horizon using structural analysis. *Social Capital Management*, 10(2), 159–175. <https://doi.org/10.22059/jscm.2022.349349.2344> [In Persian]
- Nasehi, S. M. A., Rajabpour, A., & Ahmadi, H. (2023). The effect of job crafting on teachers' job performance: Emphasizing the mediating role of social capital (A case study of non-governmental high schools in District 2 of Shiraz). *Social Capital Management*, 10(2), 145–158. <https://doi.org/10.22059/jscm.2022.349717.2346> [In Persian]
- Saz, M. I. (2007). Social capital in nonprofit organizations: Implications for management: A case study perspective. *International Review on Public and Nonprofit Marketing*, 4(1), 175–176. <https://doi.org/10.1007/BF03180764>
- Schneider, J. A. (2009). Organizational social capital and nonprofits. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 38(4), 643–662. <https://doi.org/10.1177/0899764009333956>
- Schweitzer, F., Andres, G., Casiraghi, G., Gote, C., Roller, R., Scholtes, I., ..., & Zingg, C. (2022). Modeling social resilience: Questions, answers, open problems. *arXiv preprint arXiv:2301.00183*. <https://arxiv.org/abs/2301.00183>
- Siahkali-Moradi, J., Khosravani, F., & Ghorbanalizadeh, R. (2023). Investigating the role of social capital in the development of sustainable tourism in the Shahriar region. In *Proceedings of the Third National and First International Conference on Social Capital and Resilience*, Qom. <https://civilica.com/doc/974487> [In Persian]
- Shariat-Nejad, A., Mousavi, S. N., Ari-Nejad, M., & Manshadavi, A. (2023). Investigating the effect



- of social capital on entrepreneurial resilience with the mediating role of entrepreneurial passion in knowledge-based companies in Lorestan Province. *Social Capital Management*, 13(1), 89–102. <https://doi.org/10.22059/jscm.2023.357435.2403> [In Persian]
- Shumate, M., Hsieh, Y. P., & O'Connor, A. (2018). A nonprofit perspective on business–nonprofit partnerships: Extending the symbiotic sustainability model. *Business & Society*, 57(7), 1337–1370. <https://doi.org/10.1177/0007650316645051>
- Woznyj, H. M., Stewart, O. J., & Beck, T. E. (2024). Stronger together: Building nonprofit resilience through a network with a shared mission and organizational humility. *Nonprofit Management and Leadership*. <https://doi.org/10.1002/nml.21590>
- Wachs, J., Yasseri, T., Lengyel, B., & Kertész, J. (2018). Social capital predicts corruption risk in towns. *arXiv preprint arXiv:1810.05485*. <https://arxiv.org/abs/1810.05485>
- Young, D. R. (2022). Nonprofits as a resilient sector: Implications for public policy. *Nonprofit Policy Forum*, 14(3). <https://doi.org/10.1515/npf-2022-0038>
- Zarjoo, S., & Pourezat, A. A. (2023). Developing a social capital development model and its application in universities: A case study of Payame Noor universities in Gilan Province. *Social Capital Management*, 10(2), 129–144. <https://doi.org/10.22059/jscm.2022.345892.2327> [In Persian]
- Zinser, S., & Thinyane, H. (2021). Organizational resilience between competing networks of infomediaries: A case study in civil society resilience in Hong Kong. *arXiv preprint arXiv:2108.10095*. <https://arxiv.org/abs/2108.10095>